

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عمل صالح در نهج البلاغه

بحث عمل صالح را با بررسی موضوع در کلمات امیرمؤمنان علی^(ع) در نهج البلاغه پی

خواهیم گرفت. البته نهج البلاغه در برگیرندهی تمام بیانات علی^(ع) نمیباشد. اهتمام « سید رضی »

در جمع آوری نهج البلاغه، جملاتی از حضرت بوده که از نظر فصاحت و بلاغت در اوج قرار دارند. حتی آنقدر که به فصاحت لفظی جملات توجه شده؛ معانی و مفاهیم آن مدّ نظر نبوده است.

لذا میبینیم در نهج البلاغه، نامه‌ی علی^(ع) به معاویه که یقیناً به علت مخاطب آن، از نظر معنا و

مفهوم سطح بالایی ندارد، آمده است ولی دعا و مناجات حضرت که معارف عظیم و عمیقی را در بر گرفته، در نهج البلاغه کمتر به چشم میخورد.

ادعیه و مناجات ائمه علیهم السلام در بیان معارف دقیقه‌ی الهی، نسبت به روایات در سطح

بالتری قرار دارند. در روایات مخاطب، مردم هستند. هنگامی که طرف مقابل انسانهای والایی

مثل سلمان، ابوذر، کمیل و.... هستند، آنچه بیان میشود، دارای مفاهیم عمیقی است ولی در

بسیاری مواقع انسانهای معمولی، مخاطب ائمه علیهم السلام بوده‌اند و مطالبی هم که به آنها بازگو

شده است، به تناسب همان مخاطب بوده است. لذا روایات معصومین علیهم السلام از نظر مفهوم، با

هم متفاوتند.

ولی در ادعیه و مناجات اینگونه نیست. امام معصوم، در برابر حقیقت مطلق هستی قرار

گرفته و با خدای خویش گفتگو میکند، لذا مناجات ائمه^(ع) همیشه در اوج قرار دارد و مفاهیم عمیق و ناب از معارف الهی، در آنها بیان شده است.

زیاداتی که از ائمه^(ع) نقل شده هم، سطح بالایی از معارف را بیان کرده است. زیرا در

زیارات، مخاطب امام، معصومی دیگر و امام در حال ارتباط و سخن با روح امامی دیگر است.

متأسفانه در گزینش سید رضی در نهج البلاغه، به همان دلیلی که گفته شد، از دعاهای امام

علی^(ع) کمتر استفاده شده است. در کتاب دیگری تحت عنوان «صحیفه ی علویه»، دعا و مناجاتهای امام علی^(ع) گردآوری شده است.

از معدود دعاهای امیرمؤمنان علی^(ع) در نهج البلاغه، خطبه ی ۲۲۷ میباشد که در ذیل به

آن اشاره خواهد شد :

« وَ مِنْ دَعَاءٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْجَأُ فِيهِ إِلَى اللَّهِ لِيَهْدِيَهُ إِلَى الرَّشَادِ:»

و از دعاهای امام علی علیه السلام که در آن به خداوند پناه میبرد تا خداوند او را به راه

درست هدایت کند :

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْأَنْسِيِّنَ لِأَوْلِيَائِكَ»^۱

«انس» یعنی آتش و در آشنایی را با کسی باز کردن و آغاز رفاقت.

۱. این جمله از این دعای بسیار زیبا، بسیار مورد تاکید حضرت آیت الله بهجت^(ره) بود.

اُنس اولین گام در ایجاد رابطه میباشد که بعداً به محبت، شوق و اشتیاق تبدیل و در

نهایت عشق ایجاد خواهد شد.

علی (ع) میفرماید: خدایا من اگر بخواهم با کسی انس بگیرم، رفیق شوم و ایجاد رابطه کنم،

از تو نزدیکتر پیدا نخواهم کرد.

چه خوب است ما هم به هنگام گرفتاریها، اینگونه با خدای خویش صحبت کنیم. در

زندگی برای انسان مواقعی پیش می آید که واقعا گرفتار و درمانده می شود. هرچه تلاش می کند،

کمک میگیرد، مشورت میخواید و ... مشکل حل نمیشود. چه زیاست انسان در خانه خداوند

برود و به او بگوید: «اللهم انک انیس الانسین لأولیائک»

خدایا تو برای هر کسی که خودش را به تو بسپارد و تو را ولی خویش بداند، بهترین رفیق

هستی.

« وَأَخْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِئَلَّا يَمُوتَ كَلِمَةً عَلَيْكَ »

خدایا تو برای کفایت کسانی که به تو توکل می کنند، از همه حاضرتری.

با توجه در این دو جمله ابتدایی دعا در مییابیم، شرط آشنایی، برقراری رابطه و انس

با خداوند این است که انسان خداوند را ولی و سرپرست خود بداند و تمام وجود خود را به او

بسپرد. و شرط کفایت و رسیدگی خداوند این است که بنده به خداوند توکل کند. انسانی که به

خداوند توکل میکند، خداوند برای او کافی است و زودتر از هر کس دیگری امور او را رسیدگی

میکنند، به نحوی که دیگر به کسی نیازمند نباشد.

«تُشَاهِدُ فِي سَرَائِرِهِمْ»

این جمله، بیان دلیل جملات قبلی است.

«سرائر» جمع «سریره» و به معنی باطن و درون می باشد. خصوصیتی که در دو جمله قبلی برای خداوند بیان شد، به این دلیل است که او به درون و باطن و از ته دل همه باخبر است. تمام پنهانها برای تو آشکار است و همه را مشاهده می کنی.

« وَ تَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي ضَمَائِرِهِمْ وَ تَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ »

«واو» در اینجا عطف تفصیلیه می باشد. یعنی این عبارت مشابه قبلی و توضیح آن

می باشد.

«خدایا تو از ضمیر و باطن آنها اطلاع داری و نهایت بصیرت آنها را میدانی.»

«اطلاع» یک واژه عربی است که ما در زبان فارسی آن را به آگاهی معنا می کنیم. ولی

اگر معنای دقیق آن را در عربی بخواهیم، یعنی اشراف داشتن از بالا. مثل کسی که از بالا به چیزی نگاه کند و اشراف داشته باشد و به این واسطه نسبت به آن امور آگاهی پیدا کند. البته نه به این معنا که خداوند بالا قرار گرفته و ما در پایین، بلکه یعنی از همه دقیقتر آگاه است.

«مبلغ» با بلوغ از یک ریشه و به معنای رسایی میباشد، و یا اگر آن را اسم مکان بگیریم،

یعنی جایگاه رسیدن، همانطور که بلوغ یعنی رسیدن، و «بصیرت» یعنی دید باطنی. بنابراین «مبلغ

بصائرهم» یعنی حد نهایی که دید باطنی آنها می تواند به آن برسد.

خدایا تو از همان ابتدا، آخرین حد بصیرت و دید باطنی بندگانت را میدانی. خدایا تو

آخر فکر مرا می خوانی و می دانی در نهایت به کجا می خواهم برسم. خدایا تو از اول همان آخر را میداند.

« و أسرارهم الیک ملهوفة »

خدایا اسرار و رازهای آنها برای تو مکشوف و آشکار است.

« و قلوبهم الیک ملهوفة »

و دل های آنها سرگشته ی توست. («لَهْفَان» یعنی حیران و سرگشته).

این عبارت کلی است، یعنی دل های همه ی مردم سرگشته ی توست، هر چند با توجه به

جملات قبل بیشتر متوکلین و مومنین را خطاب قرار داده است.

همه به دنبال کمال هستند. لذا از این نظر به دنبال خدا می گردند. حتی برخی بر این عقیده

اند که بت پرست ها در واقع خداپرستند. چرا که آنها هم به دنبال کمالند، ولی راه را به اشتباه

رفته اند. حتی اول فرد معتاد هم به دنبال یک چیز برتر می گردد، انسان معشوق نیز به دنبال کمال

می گردد. همه ی انسانها به نوعی به دنبال کمال و سرگشته و حیران خداوند هستند.

« إن أَوْحَشْتَهُمُ الْعَرَبَةَ أَنَسَهُمْ ذَكَرَكَ »

اگر غربت و تنهایی سراغ آنها بیاید ، ذکر و یاد تو موجب آشنایی و انس می شود. امام

علی^(ع) با این جمله ما را به انس با خداوند دعوت می کند تا به این وسیله، تمام گرفتاریها و

غربت و تنهایی خودمان را برطرف کنیم.

« و إِنْ صَبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجُؤُوا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ »

«صَبَّ» یعنی ریزش فراوان. به بارش شدید باران هم گفته می شود. ماه رجب را «أَصَبَّ»

می گویند، یعنی در این ماه برکت و رحمت و مغفرت خداوند به فراوانی به سوی بندگان سرازیر

می شود.

امام علی^(ع) می فرمایند :

اگر مصیبت های فراوان از هر نوع بر آنها سرازیر شود ، به تو پناه می برند.

در ادامه ی خطبه علی^(ع) علت دستیابی به خصوصیات و ویژگی های برجسته‌ی

فوق توسط متوکلین و مومنین را بیان می فرمایند :

« عَلَمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَ مَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ »

زیرا آنان به این نکته توجه دارند که زمان تمام امور به دست توست و صدور هر کاری به

اراده و قضای توست.

امام علی^(ع) بعد از بیان این مقدمات ، دست به دعا برداشته و خواسته های خود را از

خداوند مطرح می کند. چه خوبست ما هم نحوه ی دعا را از حضرت پیاموزیم و اگر از خدا

چیزی میخواهیم، بدون مقدمه و با طلبکاری از همان ابتدا طرح خواسته نکنیم. علی^(ع) ابتدا

خداوند را با آن جملات زیبا و عمیق، خطاب قرار می دهد و سپس دعا را شروع می کند:

«اللهم إن فهِتَ عَن مَسْأَلَتِي، أَوْ عَمِيتُ عَن طَلْبَتِي، فَدَلَّنِي عَلَي مَصَالِحِي»

«فَهِّه» یعنی فراموش کردن و توجه نداشتن. «مسأله و سؤال» یعنی درخواست.

«خدایا اگر من از درخواست خود عاجزم و یا فراموش کردم که چه باید بخواهم، و یا

نمی دانم که چه بخواهم، تو خودت مرا به آنچه که مصلحتم هست، راهنمایی و هدایت کن.»

دقت کنیم به دعای امام^(ع) ابتدا آن مقدمات زیبا را میفرمایند، بعد هم که دعا می کنند، از

خدا چه درخواست زیبایی می کند.

گاهی انسان درمانده میشود و به خدا پناه برده و مشکل خود را بیان میکند، ولی گاهی

درماندگی آنقدر زیاد است که انسان نمی داند چه بخواهد. امام علی^(ع) در درگاه الهی خود را

اینچنین میبیند و میگوید خدایا من آنقدر درماندهام که نمیدانم از تو چه درخواستی کنم. پس تو

خودت مرا به آنچه مصلحتم هست، راهنمایی و هدایت کن.

«مصالح» که از ریشه ی صلح می باشد، جمع مصلحت است.

گاهی ما میدانیم چه عمل صالحی باید انجام دهیم، ولی گاهی هر قدر فکر می کنیم،

مشورت میگیریم، حتی از عالم ربّانی کمک میخواهیم، باز هم معلوم نمیشود چه کاری درست

است و وظیفه و تکلیف ما چیست. در این موارد باید به خدا پناه ببریم تا خودش ما را به صلاح و

مصلحت راهنمایی کند.

« وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَيِّ مَرَّادِي »

خدایا دلم را بگیر و به سمت رشد و هدایت بکش و معطوف کن.

فعل «خُذْ» با إِلَيِّ متعدی شده است که با فعل تناسب ندارد، لذا از «باب تضمین» میفهمیم،

فعل دیگری در اینجا مستتر است. لذا معنای دقیق آن یعنی قلب مرا بگیر و بکش و معطوف کن به رشد و هدایت و آنچه مرا از گمراهی نجات می دهد.

گاهی در دل انسان عشقی بوجود می آید که عشق حقیقی نیست ولی خلاصی از آن

سخت و دشوار است. در اینجا فقط از خدا باید بخواهیم تا دل و قلب ما را به خودش معطوف کند

تا میل به غیر او در دل ما کم رنگ و از بین برود. دعای امام علی (ع) در این قسمت، همین معنا را می دهد.

(البته بسیاری از عواطفی که به عنوان عشق مطرح میشود، چیزی جز هوی و هوس

نیست که گاهی دل کندن از آن نیز سخت میباشد. در این مواقع باید به تکلیف شرعی عمل کرد و

از خداوند خواست دل انسان را نیز به سوی خودش برگرداند).

« فَلَيْسَ ذَلِكَ بِنُكْرٍ مِّنْ هُدَايَاتِكَ »

این به دور و ناآشنا از هدایت های تو نیست.

خدایا هدایت تو همین گونه بوده است. هر کس را خواستی هدایت کنی، به همین شیوه

هدایت کردی ، پس من رو هدایت کن.

خدایا این اولین بار نیست که تو یک انسان درمانده که راهش را گم کرده ، هدایت می

کنی ، پس من را هم هدایت کن.

« و لا بیدِعِ مِنْ كَفَايَاتِكَ »

خدایا این بدعت و نوآوری در کفایت کردن بندگان نیست.

خدایا این اولین بار نیست که تو متکفل بنده ای می شوی و او را سرپرستی می کنی.

خدایا من هم یکی از همین بندگان تو هستم ، پس مرا هم سرپرستی کن.

خدایا درست من معصیت تو را انجام داده‌ام ولی من از همه بدتر که نیستم. خدایا تو از من

بدکارتر را هم آمرزیده ای، پس مرا هم بیامرز.

« اللَّهُمَّ احْمِلْنِي عَلَى عَفْوِكَ، وَ لَا تَحْمِلْنِي عَلَى عَدْلِكَ »

خدایا همان گونه که اقتضای عفو توست با من رفتار کن ، نه با عدالت.

چقدر این جمله زیباست.

اگر خداوند بخواهد با عدالت با بندگانش رفتار کند ، همه، جهنمی اند. چرا که وجودشان

و اعمالشان، همگی متعلق به خداوند است و هیچ کس هیچ حقی بر گردن خدا ندارد. بنابراین از

خداوند می خواهیم با عفو و گذشت با ما رفتار کند و به خاطر بدی های ما ، هدایتش را از ما

دریغ نکند.

سراسر دعای امام علی^(ع) بیان معارف حقیقه می باشد که در خور توجه و دقت است.

گاهی صالح بودن عملی معلوم و مشخص است ، ولی مواردی پیش می آید که تشخیص

عمل صالح آسان نیست. در این موارد تکلیف ما چیست؟ ابتدا باید به مرجع تقلید ، عالم ربّانی و

فردی که به وی اعتماد داریم مراجعه و کسب تکلیف کنیم. گاهی با روشن شدن وجه شرعی

مسئله به طور کلی، می توان با تطبیق مسئله را حل کرد. ولی در برخی موارد با علم به حکم

شرعی، بر سر دوراهی می مانیم که هر دو راه صحیح است ولی مسیری کاملا متفاوت دارند. در

این موارد مشورت به ما کمک می کند. در روایات هم داریم با مشورت از عقل دیگران بهره

ببرید. جایی که عقل خودمان کفایت نمی کند ، باید از درایت دیگران بهره برد.

در مواردی که مشورت هم جواب نمی دهد و با وجود تلاش به نتیجه نمی رسیم ، می

توان از استخاره کمک گرفت ، البته در مسائل مهم و کلی نه در مسائل جزئی و پیش پا افتاده.

نتیجه ای که ما از دعای امام علی^(ع) می گیریم این است که در موارد نامشخص و نامعلوم

برای راهیابی به راه صحیح ، به خداوند پناه ببریم تا او خودش ما را به راهی که روشن است

هدایت کند.

✓ یکی دیگر از جملات علی^(ع) درباره ی عمل صالح ، حکمت ۷ نهج البلاغه می باشد :

« الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ هُنَجِحُّ »

صدقه دارویی است که زود اثر می کند و زود نتیجه می دهد.

« و أعمال العبادِ فی عاجلِهِم نُصبُ أعینِهِم فی آجالِهِم »

«عاجل» با عجله هم خانواده و چیزی است که زود و سریع می رسد و در اینجا کنایه از

دنیاست و «آجال» جمع اجل و چیزی است که سررسید خاصی دارد و بعدا می رسد و در اینجا

به معنی بعد از مرگ و آخرت می باشد.

امام علی^(ع) می فرمایند : اعمال بندگان در این دنیا ، مثل تابلویی که در مقابل چشم قرار

دارد ، در آخرت در منظر انسان قرار خواهد گرفت.

از این عبارت امیرالمومنین^(ع) بحث تجسّم و به تعبیر دقیق تر تمثّل اعمال را می توان

برداشت کرد.

در آخرت ما با چه چیزی روبرو خواهیم شد؟ کاخهای بهشتی و یا عذاب های جهنّم چه

ماهیتی دارد؟

امام علی^(ع) می فرماید همین اعمال شما در این دنیاست که در آخرت در مقابل دیدگان

شما قرار خواهد گرفت. پاداش و عذاب اخروی چیزی جز خود عمل ما نیست. اینطور نیست که

در آخرت اعمال ما در حساب و کتاب کنند سپس به تناسب جرم ، جریمه تعیین شود ، بلکه خود

عمل است که صورت باز می کند و متناسب با جهان دیگر ظهور و بروز می کند. بهشت و جهنّم ما

بروز همین اعمال ما در آن دنیاست. می خواهی بدانی بهشتی هستی یا جهنمی به اعمال خودت

نگاه کن. اعمال ما با گسترهی معنایی که تعریف کردیم، عمل جوارحی، فکری: قلبی و.... آخرت

ما را می سازد.

✓ در ادامه‌ی بحث به قسمتی از نامه‌ی ۲۷ نهج البلاغه که نامه‌ی امام علی (ع) به محمد بن

ابی بکر می باشد اشاره خواهیم کرد :

« ... فان الله تعالى يسألكم معشر عبادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ

المستورة»

خداوند متعال از همهی بندگانش از تک تک اعمالشان بازخواست می کند. چه اعمال

بزرگ باشد یا کوچک و چه آشکار باشد یا پنهان.

اعمال آشکار و پنهان را دو جور میتوان معنا کرد: آشکار آنهایی است که در معرض دید مردم

انجام می شود و پنهان آنهایی که یواشکی، پنهانی و دور از دید دیگران. و یا به تعبیر دیگر اعمال

آشکار، اعمالی است که با اعضاء و جوارح انجام می شود و اعمال فیزیکی هستند و پنهان اعمال

فکری ، ذهنی و یا قلبی است که کسی از انجام آن باخبر نمی شود. فکری که انسان در ذهن می

پروراند و یا عملی که در ته دل انسان می گذرد ، از منظر دیگران پنهان است. بنابراین به این تعبیر

ممکن است انسان در میان جمع باشد ولی عملی مخفی و پنهان انجام دهد. مثلا در مسجد نشسته

و با زبانش دعای کمیل می خواند ولی در ذهنش برای دیگری نقشه می کشد و یا در دلش به

آقایی که دعای می خواند ، حسادت می ورزد. به هر حال خداوند از تمامی اعمال بندگان آگاه

است و همه را بازخواست خواهد کرد، و تفاوتی نمی کند، عمل هر چه میخواهد باشد.

« فَإِنْ يُعَذِّبْ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ، وَإِنْ يَعْفُ فَهُوَ أَكْرَمُ »

اگر شما را عذاب کند، شما استحقاق بیش از آن را دارید و شما نسبت به خداوند بیشترین ستم را روا داشته اید و اگر شما را ببخشد، این از کرامت و بزرگواری خداوند است.

مجموع این فراز، تاکید بر « حسن فاعلی » در عمل صالح می باشد. نیت انجام عمل مهم است و خداوند به همه ی آنها آگاه است، پس باید خیلی دقت داشته باشیم و همواره خود را در محضر خداوند ببینیم. خداوند از ته دل همه ی بندگان باخبر است. علم الهی به تمامی افعال ما سیطره دارد.

لذا هشداری است تا مراقبه و توجه ما بیشتر شود و دائماً به خود خدا توجه داشته باشیم. گاهی اعمال ما برای آخرت و با هدف سود و زیان انجام می گیرد. ما باید فکرمان را بالاتر ببریم و خود خدا را در نظر داشته باشیم. حتی اگر آخرتی هم نباشد، تفاوتی در عملکرد ما ایجاد نشود.

✓ در تاکید این مفهوم به قسمتی از خطبه ی ۹۰ نهج البلاغه توجه خواهیم کرد :

« ... قَسَمَ ارْزَاقَهُمْ »

خداوند روزی بندگان را تقسیم می کند.

روزی معنای گسترده ای دارد و همه ی نیازهای هر فردی را شامل می شود، بنابراین

روزی محدود به خوردنی و آشامیدنی ها نمی شود.

« و أخصى آثارهم و أعمالهم »

خداوند آثار و اعمال بندگان خود را برشمرده است.

یعنی خداوند هر گونه اثر و ردپایی از اعمال انسان را هر چند خیلی کم و کوچک را در

نظر گرفته و به حساب می آورد.

در روایت داریم در قیامت و در محاسبه ی اعمال ، فردی را قاتل معرفی میکنند. فرد

اعتراض می کند. در پاسخ می گویند تو به اندازه یک قطره خون قاتلی، زیرا کاری انجام دادی،

مثلاً سخنی گفته‌ای که این کار تو زمینهای شده تا اعمال دیگری توسط دیگران به طور متوالی

انجام شده و نهایتاً منجر به قتل شده است. بنابراین تو به اندازه‌ی همین یک قطره خون قاتلی و یا

مثلاً در مقابل جنایت دیگری در فلان کشور سکوت کردی و یا حتی در دلت نسبت به آن ناراحت

نشدی ، بنابراین به همین اندازه در آن جنایت سهم داری.

خداوند تمام آثار اعمال بندگان را محاسبه می کند.

بنابراین ما باید خیلی مراقب باشیم. چه می گوئیم، چه می نویسیم، چه نقل قولی می کنیم.

گاهی یک نقل قول حتی اگر صحیح هم باشد، منشأ گناهان بسیاری می شود. اینکه برخی ، بزرگ

می شوند، از اولیای خدا می شوند، جنسشان با ما تفاوتی ندارد. فقط آنها مراقب و مواظب اعمال

خود بوده اند. همینطور چشم خود را نمی بستند و هر چه بشنوند برای دیگران نقل کنند.

علی^(ع) میفرماید: زبان عاقل پشت فکرش قرار دارد و زبان جاهل جلوی فکرش. یعنی

انسان عاقل ابتدا فکر می کند سپس سخن میگوید ولی انسان جاهل اول سخن می گوید، بعد فکر میکند.

« وَ عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ »

و خداوند شماره ای نفسهای همه را برشمرده است.

« وَ خَائِنَةَ أَعْيُنِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ مِنَ الضَّمِيرِ »

خداوند از خیانت چشمهایتان و آنچه در سینه و ضمیر شما پنهان است ، آگاه می باشد.

امام علی^(ع) در این قسمت از خیانت چشم و دل سخن گفته اند که نکته ی ظریفی است.

گاهی فردی به نامحرم زل زده و نگاه می کند و مرتکب حرام می شود. ولی گاهی طرف

در ظاهر پایین را نگاه می کند ولی نگاهش به نامحرم است. این در اصل او گناه می کند. یکی

نگاه حرام و دیگری دروغ. این خیانت در نگاه است. و یا نگاه کردن به موارد شخصی و

خصوصی دیگران، خیانت است.

در روایت داریم چشم ناشکرترین عضو بدن است. شکر یعنی به جا استفاده کردن و

ناشکری یعنی استفاده ی نابجا. چشم هم چون پرده ای ندارد و همیشه باز است و به این سو و آن

سو حرکت می کند، لذا کنترل آن سخت تر است و لذا از چشم استفاده نادرست زیادی می شود.

ما باید بیشتر مراقب چشم باشیم و آن را در کنترل خودمان در بیاوریم.

حضرت علی^(ع) بعد از چشم به دل اشاره می کند که کنترل آن هم آسان نیست. خیلی

چیزها وارد دل ما می شود که نباید بشود. وقتی ورود هر چیز به دل آزاد شد، کم کم گوش و

چشم و دیگر اعضای انسان هم ناپاک و آلوده می شود، تمام اعمال انسان زشت می شود.

بنابراین این جملات علی^(ع) تأکید و هشدار است بر کنترل و مراقبت بیشتر بر اعمال تا

هدایتی باشد به سوی عمل صالح.

خدایا به محمد و آل محمد^(ص) نظر عین الله الناظره امام زمان علیه السلام را حامی مملکت

ما، رهبر ما، کیان تشیع، مراجع تقلید و موجب برآورده شدن حوائج ما بگردان.

آمین